

ساختهای زبان فارسی و مسئله ترجمه قرآن

مرتضی کریمی نیا

فهرست

۱	مقدمه
---	-------	-------

مقالات

۱۱	یکسانی و هماهنگی ترجمه قرآن
۳۳	از مقتضیات زبان فارسی در ترجمه قرآن کریم
۵۵	چه را و چرا ترجمه نکنیم؟
۷۵	پدیده تکرار در قرآن و مسئله ترجمه آن
۱۰۸	درنگی در ترجمه چند واژه و اصطلاح قرآنی
۱۳۹	بای تعدیه در قرآن کریم
۱۶۸	متجمان و لغش در فهم معنای این

نقدها

۱۸۷	نگاهی به ترجمه قرآن کریم، از محمد مهدی فولادوند
۲۱۵	نگاهی به ترجمه قرآن کریم، از آیت‌الله مکارم شیرازی (۱)
۲۲۳	تقد و بررسی ترجمه قرآن کریم، از آیت‌الله مکارم شیرازی (۲)
۲۵۹	جواییه‌ای از نقد ترجمه قرآن کریم، از حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی (مدظله)
۲۶۹	توضیحی درباره یک جواییه
۲۷۴	مروری بر ترجمه جدید آلمانی قرآن، از خانم زیگریت یمینی (شولتس)
۲۸۳	درباره کتاب قرآن، ندایی برای جهانیان؛ مروری بر ترجمه خانم معصومه یزدان‌پناه از قرآن کریم

ساختهای زبان فارسی و مسئله ترجمه قرآن

هشت

گفت و گو

ترجمه آهنگین قرآن به انگلیسی در گفت و گو با دکتر فضل الله نیک آین ۲۹۷
ترجمه فارسی قرآن کریم در گفت و گو با دکتر غلامعلی حداد عادل ۳۱۲

کتاب‌شناسی

کتاب‌شناسی مباحث ترجمه قرآن در زبانهای اروپایی ۳۸۹
متن کتاب‌شناسی ۴۰۱
نمایه ۴۶۱

مقدمه

این کتاب مجموعه شانزده مقاله و گفت‌وگو را در بر دارد که طی چهارده سال (۱۳۸۶-۱۳۷۳) در مجلات مختلف از جمله بینات، فصلنامه حوزه و دانشگاه، و ترجمان وحی درباب ترجمه قرآن و وجوه مختلف ادبی آن نوشته‌ام. ترجمه قرآن و بویژه دقت در ظرایف ساختارهای مختلف نحوی قرآن و مقایسه آنها با الگوهای زبان فارسی از جمله مهمترین دغدغه‌های من طی سالهای تحصیل در حوزه علمیه قم و پس از آن بوده است. هر چند این دغدغه‌ها اکنون دیگر شدت و شور گذشته را از دست داده‌اند، انتشار مجموعه مقالات مرتبط با این حوزه را برای علاقه‌مندان امر ترجمه قرآن بی‌فاایده نمی‌دانم.

تقریباً اغلب مقالات و صفحات این کتاب به موضوع ساختارهای نحوی قرآن می‌پردازد. این امر صدالبته تمام کار نیست. ترجمه متون دینی، متون ادبی و شاهکاری ادبی-دینی چون قرآن جوانب مختلف و توبرتویی دارد که در متن کتاب به آنها نپرداخته‌ام. می‌کوشم در اینجا به اختصار به یکی از این وجوه اشاره کنم که در صفحات کتاب کمتر به آن تصریح کرده‌ام.

بی‌شک قرآن اثری ادبی است. متن قرآن صرفاً حامل مشتی پیامهای دینی، فقهی، کلامی و مانند آن نیست. بیان قرآن را به هیچ روی نمی‌توان چونان متون حقوقی، فلسفی، تاریخی و جز آن دانست. اندرزهای اخلاقی، داستانهای تاریخی، احکام فقهی و قوانین حقوقی-اجتماعی، توصیف جهان آخرت و حوادث پس از مرگ، دعوت به توحید و جدال با مخالفان پیامبر همه و همه در قرآن کریم به زیباترین شکل و برترین صورت ادبی بیان شده‌اند. این پوسته ادب و هنر چنان بر قامت معانی قرآن کشانده شده است که جداسازی آنها از یکدیگر و برگردان صرف مفاهیم و معانی آیات قرآن ناممکن است. معنای این

سخن آن است که وقتی تنها به معانی آیات توجه می‌کنیم و می‌کوشیم تمام ظرافتهای لغوی، صرفی، و نحوی قرآن را منتقل کنیم، آن را به جملاتی بی‌روح، خنثی و خالی از عنصر زیبایی و ادب تبدیل کرده‌ایم. تصور کنید که شعر حافظ را به نظری مشروح و ساده و همه‌کس فهم درآوریم؛ دیگر چیزی از شعر حافظ باقی نمی‌ماند جز همان چند واژه متراծی که در ترجمة ابیاتش گفته‌ایم. کسانی که دائمًا می‌کوشند بدون توجه به بیان ادبی قرآن و جوانب زیبایی‌شناختی آن، از لابه‌لای آیاتش پیامهای جدید استخراج کنند، این کتاب را چون معدنی از طلا یا سنگهای قیمتی تصور کرده‌اند که باید با غور در اعماق آن هرچه بیشتر در تازه یافتد. اما حتی اگر تشبیه قرآن به معدن پر از گوهر صحیح باشد، باید به خاطر داشت که نحوه چینش این گوهرها یا سنگهای قیمتی در معدن قرآن خود به ارزش آنها بسی افزوده است. خارج کردن گوهرها یا آیات قرآن از موضع طبیعی‌شان، بخش مهمی از بار معنایی آن را می‌ستاند.

از این مقدمه، بیشتر از هر چیز می‌خواهم نتیجه بگیرم ترجمة متون ادبی – از جمله قرآن – در تمام سطوح آن اساساً امری ناممکن است. اما عدم توجه به دقایق و ظرافتهای ادبی متن مبدأ، ترجمة آن در زبان مقصد را بسیار از آنچه باید و شاید دورتر می‌کند. از این رو، بسیاری از ترجمه‌های فارسی یا انگلیسی که در کتاب حاضر آنها را گاه به دقت و امانتداری ستوده‌ام، از منظر ادبی حتی در سطح متوسط نیز قرار نمی‌گیرند.

*

ترجمة قرآن، اگرچه امروز سهل و ساده و رایج می‌نماید، در دوره‌های مختلف قصه پرنشیب و فرازی داشته است. حتی اگر از نظر تاریخی در داستان فتوای علمای ماوراء النهر بر جواز ترجمة قرآن و به انجام رسیدن ترجمة تفسیر طبری، به دیده تردید بنگریم، شک نمی‌توان داشت که اقدام به این کار از آغاز اسلام یک بار دیگر در اوایل قرن بیستم و با ورود ترجمة انگلیسی مولانا محمدعلی

لاهوری به کشور مصر، مسئله آفرین شد. در پی استفتای برخی از مؤمنان نسبت به جواز این عمل و نیز جواز قرائت اذان و نماز به زبان ترکی (که پس از الغای خلافت عثمانی در ترکیه ترویج می‌شد)، انبوهی رساله، مقاله و کتاب در جواز یا عدم جواز ترجمه قرآن و نیز کیفیت و شرایط آن انتشار یافت.^۱ ترجمه قرآن در میان غربیان قصه‌ای دیگر داشته است. بیشترین و قدیمترین آشنایی علمی ایشان با اسلام، از طریق ترجمه قرآن بوده است. نخستین مجموعه پژوهشی اروپاییان در باب اسلام که در قرن دوازدهم و به دستور پییر ونرابل (پطرس جلیل) در اسپانیا و در اصل به قصد آشنایی و مقابله کشیشان مسیحی با مسلمانان فراهم آمد، حاوی ترجمه‌ای لاتینی از قرآن به قلم روبرت کتونی (Robert of Ketton) بود که تا اوایل رنسانس و عصر اصلاح طلبی اروپاییان مخطوط باقی ماند. این ترجمه که در زمان چاپ و انتشار (۱۵۴۳ میلادی) قدمتی چهارصد ساله داشت، خود مبنای ترجمه‌های متعدد دیگری از جمله آلمانی، ایتالیایی، هلندی و فرانسوی شد.^۲

آشنایی بیشتر غربیان با اسلام در تماس با مسلمانان عثمانی، شمال آفریقا، شبه‌قاره و اندونزی سبب تعمیق قرآن‌پژوهی ایشان و صدابته تکثیر ترجمه‌های قرآن در زبانهای اروپایی شد، تا آنجا که اکنون تنها نزدیک به یکصد ترجمه انگلیسی (از مترجمان غربی یا مسلمان) در دست است.

۱. در این باره بنگرید به مقاله محمدعلی محمد ابوعشعیع، «بررسی فتوای رشید رضا در مورد ترجمه قرآن مجید»، ترجمه عباس امام، در ترجمان وحی، سال هفتم، ش ۲، شماره پیاپی ۱۴، ص ۱۱۹-۷۸.

۲. برای گزارشی جامع از سرگذشت این اثر که بعدها به "مجموعه طلیطله" شهرت یافت، و نیز داستان آشنایی اروپاییان با قرآن و اقدامات ایشان در امر ترجمه و انتشار قرآن در سده‌های شانزدهم و هفدهم میلادی نگاه کنید به: مرتضی کریمی‌نیا، «قرآن در عصر اصلاح طلبی و نوآندیشی: مروری بر کتاب هارتوموت بو بتسین»، ترجمان وحی، سال ششم، شماره ۱، شماره پیاپی ۱۱، شهریور ۱۳۸۱، ص ۸۳-۷۴. همچنین گزارش جامعی از ترجمه‌های لاتینی قرآن در قرون وسطی را می‌توان در مقاله زیر یافت: هارتوموت بازیزن (کذا!!)، «نظری اجمالی بر ترجمه‌های لاتینی قرآن»، ترجمه علیرضا آنوشیروانی، ترجمان وحی، سال چهارم، شماره ۱، شماره پیاپی ۷، ص ۴۸-۳۵.

همزمان با رواج و تکامل قرآن پژوهی در غرب، مطالعات پژوهشی و انقادی درباب ترجمه‌های قرآن و مبانی ترجمه قرآن بیشتر و بیشتر شد.

همچنان که گذشت، نخستین ترجمه قرآن به یک زبان اروپایی را روبرن کتونی در قرن دوازدهم به توصیه و اشاره پطرس جلیل انجام داد. این ترجمه در سال ۱۱۴۲ کامل شد و نسخه‌های خطی فراوان آن به مدت چهار قرن مورد استفاده بود تا آنکه به همت شودور بیبلیاندر در شهر بازل (در سوئیس فعلی) به چاپ رسید. با آنکه این ترجمه آکنده از اغلاظ علمی و غرض‌ورزی‌های متعصبانه بود، بسیاری از نخستین ترجمه‌های اروپایی همان را مبنای کار خود قرار داده‌اند. این کار خود مستقیماً به ایتالیایی، آلمانی و هلندی ترجمه شد.

در سال ۱۶۴۷، آندره دوری‌یه، بازرگان فرانسوی، نخستین ترجمه فرانسوی قرآن را در پاریس منتشر کرد؛ نخستین ترجمه روسی در ۱۷۷۶ در سن پترزبورگ منتشر شد. پس از آن، دو ترجمه فرانسوی از ساواری (۱۷۸۳) و کازیمیریسکی (۱۸۴۰) منتشر شد. نخستین ترجمه آلمانی از آن فردی به نام شوایگر (۱۶۲۲) بود و سه ترجمه بعدی از بویزن (۱۷۷۳)، واهل (۱۸۲۸) و اولمان (۱۸۴۰). در همان احوال، ماراچی دومین ترجمه لاتینی را همراه با شماره‌گذاری دقیق آیات و به ضمیمه شرح و توضیحات فراوان در سال ۱۶۸۹ منتشر کرد.

نخستین ترجمه انگلیسی قرآن از روی نسخه فرانسوی دوری‌یه (۱۶۴۷) به قلم الکساندر راس در (۱۶۴۹) انتشار یافته بود، اما دومین ترجمه انگلیسی را جرج سیل در سال ۱۷۳۴ بر پایه ترجمه لاتینی ماراچی انجام داد. این ترجمه‌ها تقریباً همگی ویژگی ضداسلامی و غرض‌ورزانه داشتند. ترجمه انگلیسی رادول (۱۸۶۱) نمونه‌ای دیگر از همان گرایش جدلی و متعصبانه را نشان می‌دهد. پالمر، شرق‌شناس انگلیسی هم ترجمه خود را یک دهه بعد منتشر کرد. و در قرن بیستم، ریچارد بیل نخستین بار ترجمه‌ای انگلیسی از قرآن را بر اساس ترتیب نزول سوره‌ها (در سال ۱۹۳۷) انتشار داد.

حجم عظیم اشتباهات و اغلاظ عمدی یا سهوی که مترجمان غیرمسلمان مرتکب شده و به این سبب چهرهٔ ... دند،

مسلمانان را واداشت تا خود دست به کار ترجمه قرآن شوند. نخستین ترجمه انگلیسی مسلمانان از قرآن کریم در سال ۱۹۰۵ به قلم محمد عبدالحکیم خان در پاتیلا (هندوستان) انتشار یافت. چند ترجمه دیگر از مسلمانان هند در نخستین دهه‌های قرن بیستم انتشار یافت که از جمله آنها می‌توان به میرزا حیرت دھلوی (۱۹۱۹)، مولانا محمدعلی لاهوری (۱۹۱۷) و حافظ غلام سرور (۱۹۳۰) اشاره کرد، اما معروفترین و مهمترین ترجمه‌های مسلمانان در قرن گذشته از آن محمد مارمادوک پیکتال (۱۹۳۰) و عبدالله یوسف علی (۱۹۳۷) است که بارها و بارها در سراسر جهان در قطع و اندازه‌های مختلف به چاپ رسیده‌اند.

هرچه به پایان قرن بیستم نزدیکتر می‌شدیم، بر تعداد ترجمه‌های قرآن در سراسر جهان افزوده می‌شد. این امر نه فقط در باب ترجمه‌های اروپایی قرآن که حتی در زبان فارسی و در کشور خودمان نیز صادق است. فی‌المثل در بیست سال گذشته نزدیک به سی ترجمه جدید انگلیسی انتشار یافته، در حالی که در سراسر قرن نوزدهم این رقم به تعداد انگشتان یک دست هم نمی‌رسد. یا آنکه پس از انقلاب شاهد انتشار بیش از پنجاه ترجمه کامل یا گزیده از قرآن بوده‌ایم، در حالی که پیش از انقلاب، مجموع ترجمه‌های فارسی قرآن، رقمی در حدود پانزده داشت.

نکته دیگر تنوع و تعدد سبکهای ترجمه است. از مجموع ترجمه‌های فارسی پیش از انقلاب، تنها ترجمه مرحوم الهی قمشه‌ای در بازار کتاب و در میان خوانندگان ترجمه قرآن رواج داشت و دیگر ترجمه‌ها بندرت مورد استفاده محققان قرار می‌گرفت. اما در میان ترجمه‌های فارسی پس از انقلاب سبکها و نشوهای مختلف وجود دارد (ترجمه تحت‌اللفظی، ترجمه ادیبانه، ترجمه تفسیری، ترجمه منظوم و حتی ترجمه به سبک شعر نو) و قرآن‌خوانان و قرآن‌پژوهان به تناسب سلیقه و احتیاج خود به ترجمه‌های مختلف رجوع و استناد می‌کنند.

رواچ ترجمه‌های متعدد و متنوع از قرآن در تمام زبانها نشان‌دهنده توجه روزافزون مسلمانان و غیر مسلمانان در شناخت و فهم بیشتر آیات این کتاب

آسمانی است. این امر همچنین شاخص خوب و بسیار مطمئنی است که نشان می‌دهد میزان توجه به قرآن و رجوع به قرآن در فرهنگ اسلامی کشورهای غیرعرب‌زبان و حتی در غرب بسیار بیشتر و بیشتر شده است. با این همه، از یک نکته نباید غفلت ورزید. اهمیت و ظرافت ترجمه قرآن در قیاس با ترجمة متون معمولی صدچندان و بلکه هزارچندان است. از این رو مترجمان و ترجمه‌های قرآن نیازمند نقد و سنجش مکررند.

سنجش ترجمه‌های مختلف قرآن کریم در قالب نقدها و بررسیهای مکتوب و شفاهی از جمله رویدادهای مبارکی است که طی دو دهه اخیر در نشریات فارسی‌زبان رونق گرفته است. این امر با آنکه البته در قیاس با ترجمه قرآن در دیگر زبانها بسیار پیشتر و بیشتر می‌نماید، به گمانم هنوز در آغاز راه است؛ گواینکه ترجمه فارسی قرآن نیز همچنان به گامهای بسیار بیشتر نیازمند است. در این میان، از یک نکته نباید غافل بود: نقد و بررسیهای ترجمه‌های قرآن در زبان فارسی علی‌الاصول بر سطح کیفی ترجمه‌ها و دقت مترجمان امروزین افزوده است. بسیاری از اشتباهات در فهم معنای واژگان، عبارات، تمثیلهای قرآنی یا برگردان درست فارسی می‌شناسیم که برخی از بزرگترین مترجمان گذشته بسهولت مرتكب شده‌اند، اما امروزه دیگر ارتکاب آن را بر هیچ مترجم گمنام و تازه‌کاری هم نمی‌توان بخشید. آستانه تحمل مترجمان قرآن نیز بسیار بالاتر رفته است. دیگر چندان غریب نیست که بینیم ترجمه مترجمانی بسیار شهره در عرصه علم یا سیاست یا فرهنگ، در علن به عیار نقد محک خورده است. این امر چندان طبیعی است که بر یکی از ترجمه‌های فارسی قرآن در دهه هفتاد شمسی، بیش از یکصد نقد و نظر نوشته شد و از مجموعه این نقد و تعریفها، بجز مترجم، بسیاری از خوانندگان و مترجمان احتمالی آینده نیز سود برداشتند. در جانب دیگر، کم نیستند مترجمانی که به تصريح خود یا بی آن، کمی یا کثیری از نکات ناقدان را پذیرفته و در چاپهای بعدی خود به اصلاح برخی اشکالات در برگردان خود مبادرت ورزیده‌اند.

در دهه هفتاد شمسی، همراه با رشد تعداد ترجمه‌های قرآن، این نقدها و ارزیابیها به صورتی تقریباً متوازن انتشار می‌یافتد. همین نقدهای ترجمه قرآن،

حساسیت مترجمان بعدی را نسبت به اهمیت کار افزایش داد و بسیاری از مترجمان بعدی کوشیدند تا اشتباهات پیشینیان را مرتکب نشوند. در سالهای اخیر و همزمان با شتاب در انتشار ترجمه‌های جدید قرآن به فارسی، تقدنویسی و ارزیابی کار مترجمان قرآن رشد قابل قبولی نداشته است. از همین رو، شاید بتوان گفت امروز برای ارتقای سطح ترجمه‌های فارسی قرآن در کشور خود بیش از هر چیز نیازمند انضباط علمی، کوشش علمی، نقد علمی، و نظام پاداش و کیفریم.

من نیز خود اگرچه تنها بر دو ترجمه معروف قرآن نقد و معرفی مفصل و بر بسیاری ترجمه‌های فارسی، انگلیسی، آلمانی و گاه در برخی دیگر زبانها، نقد یا معرفیهای اجمالی نوشته‌ام،^۱ بیشتر کوشیده‌ام بررسیها و سنجهای خود در این باره را با نگاهی مضمونی به مجموعه‌ای از ترجمه‌ها انجام دهم. از این رو در نخستین بخش این کتاب مقالاتی را قرار داده‌ام که ضمن پرداختن به موضوعی ادبی، شماری از ترجمه‌های فارسی قرآن را با هم مقایسه می‌کند و عملکرد مترجمان را می‌سنجد. این همه به یقین هرگز حرفاًی نهایی در موضوع خود نیستند و با تأمل بیشتر از جانب صاحبنظران امر قرآن‌پژوهی، نکات صحیح‌تر و دقیق‌تر بیشتری می‌توان مطرح کرد و از اشتباهات راقم این سطور بسی کاست.

*

طی سالهای اخیر در نگارش این مجموعه از مشورت و راهنمایی برخی دوستان، همکاران و استادانم برخوردار بوده‌ام. یادی از نام ایشان کمترین سپاسی است که از آنها می‌گزارم: آذرتاش آذرنوش، مصطفی ملکیان، شادروان محمدحسین روحانی، محمد نقدی، یعقوب جعفری‌نیا، محمدرضا انصاری محلاتی، بهاءالدین خرمشاهی، علیقلی قرایی، سید محمدعلی ایازی،

۱. تقریباً اغلب این معرفیهای اجمالی طی یازده سال گذشته، در بخش "خبر ترجمه" یا مقالات موضوعی مجله ترجمان وحی انتشار یافته‌اند.